ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: محمدحسن روزی طلب • جانشین مدیر مسئول و سردبیر: علی جوادی
تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ • چاپ: ایرانیان
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳ • انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ • نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • شماره پیامک کنید: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید: @iranvarzeshii

newspaper.inn.ir | inn.ir

2411200-07579-0003

چهارشنبه • ۱۴ تیر ۱۴۰۲ • سال بیست و هفتم • شماره ۷۳۴۳

برشی از یک کتاب

ال‌دیگو – قسمت اول

دیگو آرماندو مارادونا هنوز که هنوز است الگو و الهام‌بخش بسیاری از فوتبال‌دوستان دنیاست. کتاب‌ها و مستندهای زیادی هم درباره او ساخته شده و ما از امروز در این ستون بخش‌هایی از کتاب زندگینامه خودنوشتش با نام «ال‌دیگو» را برای شما نقل می‌کنیم. خواندن خاطرات این اسطوره از زبان خودش حتماً جالب خواهد بود:

اولین چالش‌ام در فیوریتو، آفتاب سوزان بود. مادرم همیشه می‌گفت: «پلو [لقب مارادونا به معنای موفرفری]، فقط وقتی ساعت پنج شد و خورشید غروب کرد، می‌ری و بازی می‌کنی.» «باشه، مامان، باشه. نگران نباش.» این را می‌گفتم و خانه را ساعت ۲ ظهر با دوستم ال‌نگرو یا پسرعمویم، بتو، یا هر کس دیگری که آنجا بود، ترک می‌کردم و از ساعت ۲:۱۵ ظهر زیر تابش شدید آفتاب، شروع به بازی می‌کردیم. هیچ‌چیز برایمان مهم نبود. خودمان را می‌کشتیم. ساعت ۷ برای مدتی کوتاه دست می‌کشیدیم، استراحتی می‌کردیم و از یکی از خانه‌های اطراف، آبی برای خوردن می‌گرفتیم و دوباره ادامه می‌دادیم. در تاریکی هم بازی می‌کردیم. الان وقتی گاهی اوقات می‌شنوم بعضی‌ها از بازی در ورزشگاهی که پروژکتور ندارد، گله می‌کنند، با خودم می‌گویم من در تاریکی بازی می‌کردم! نمی‌دانم ما بچه‌های خیابانی حساب می‌شدیم یا نه، ولی بیشتر بچه‌های زمین‌های بایر (پوترو) بودیم. اگر والدین‌مان دنبال‌مان می‌گشتند، می‌دانستند کجا پیدایمان کنند. همیشه در پوترو بودیم و دنبال توپ می‌دویدیم. خاطرات خوشی از کودکی‌ام در فیوریتو دارم، ولی اگر بخواهم آن را در قالب یک کلمه روایت کنم سختی بود. آنجا اگر می‌شد، آدم‌ها غذا می‌خوردند و اگر نبود، نمی‌خوردند. یادم می‌آید تابستان‌ها خیلی گرم و زمستان‌ها خیلی سرد بود. خانه ما سه اتاق داشت و از مصالحی محکم ساخته شده بود که برای آنجا کاملاً لوکس بود: از ورودی سیمی که رد می‌شدید، پاسیویی پر از خاک وجود داشت و بعد به خانه می‌رسیدید. یک اتاق غذاخوری داشتیم که در آن آشپزی می‌کردیم، غذا می‌خوردیم، تکالیف‌مان را انجام می‌دادیم و هر کار دیگر. دو اتاق خواب هم بود. اتاق والدین‌مان در سمت راست بود و سمت چپی، مال ما بچه‌ها بود. وقتی باران می‌بارید، در خانه راه می‌افتادیم و جلوی چکه کردن‌ها را می‌گرفتیم. داخل خانه بیشتر از بیرون آن خیس می‌شدیم. از سینک آشپزخانه که اصلاً حرف نزنم، بهتر است. حتی آب لوله‌کشی هم نداشتیم. وزنه زدن‌های من هم از همین جا شروع شد. گالن‌های خالی بیست لیتری نفت را برای پرکردن از تنها لوله آب خیابان به دست می‌گرفتیم و می‌رفتیم تا آب بیاوریم و مادرم بتواند ظرف‌ها را بشوید، آشپزی کند و به بقیه کارها برسد. همین‌طور هم حمام می‌کردم. آب سرد را از ظرف برمی‌داشتیم و با دست آن را روی صورت، زیربغل‌ها و بین انگشتان می‌کشیدیم. شستن موهایمان پیچیده‌تر بود و بهتر بود در زمستان اصلاً انجام نشود.

جدول سودوکو ۲۶۵

۴	۸		۵				۳	
۹			۷		۱	۸		
	۲				۸		۵	۶
	۵	۲		۸		۳		
			۳	۵	۶			
		۴		۲		۵	۹	
۳	۹		۲				۸	
		۸	۶		۳			۲
	۷				۵		۱	۳

حل جدول ۲۶۴

۷	۸	۲	۳	۱	۴	۵	۹	۶
۵	۳	۶	۲	۸	۹	۴	۱	۷
۹	۴	۱	۶	۷	۵	۲	۳	۸
۱	۵	۹	۸	۲	۳	۶	۷	۴
۳	۲	۴	۷	۹	۶	۱	۸	۵
۶	۷	۸	۴	۵	۱	۹	۲	۳
۸	۶	۵	۹	۳	۲	۷	۴	۱
۴	۹	۷	۱	۶	۸	۳	۵	۲
۲	۱	۳	۵	۴	۷	۸	۶	۹

جستار روز

به بهانه وفاداری توتی به رم

بازخوانی علاقه پرز به فرانچسکو

رسول مجیدی
روزنامه نگار

این روزها که خبر پیشنهاد ۱۰۰ میلیاردی استقلال به علیرضا بیرانوند نقل محافل ورزشی است، خیلی‌ها از غیرت و وفاداری صحبت می‌کنند. برخی هم سریع مثالی از بازیکنان با وفا می‌زنند. در اینجور مواقع هیچ‌وقت نمی‌شود پیشنهاد هنگفت رئال مادرید به فرانچسکو توتی را فراموش کرد. احتمالاً همه علاقه‌مندان به فوتبال ماجرا را می‌دانند اما در اینجا می‌خواهم به مناسبت داغ شدن اینجور بحث‌ها در فضای ورزشی ایران، داستان اولین روزی که پرز به توتی علاقه نشان داد را برای‌تان تعریف کنم. منبع آن ظهر پاییزی در رم، خاطرات خود توتی است که برای شما تبدیل به متنی نمایشی‌اش کرده‌ام.

سال دو هزار و یک است. یک ظهر پاییزی در رم. پایتخت ایتالیا. رستوران هتل چیچرونه مثل همیشه شلوغ است و در گوشه‌ای از آن سران دو باشگاه رم و رئال مادرید نشسته‌اند.

فلورنتینو پرز شاخص‌ترین مدیر جمع است و نسبتاً رو به رویش میزبان نشسته؛ فرانکو سنسی، مالک و مدیر باشگاه رم. خانواده سنسی سال‌ها رم را در اختیار داشتند. مدت‌ها خود فرانکو کار را جلو می‌برد و بعد از او هم هدایت باشگاه رسید به دخترش روزلا که اتفاقاً در این جلسه ناهار هم حضور داشت. ظاهراً یکدفعه و بدون هیچ مقدمه‌چینی و زمینه‌ای، فلورنتینو پرز رویش را می‌کند به سمت سنسی و می‌گوید: «فرانکوی عزیز می‌دونی که در تلاش هستم تا بهترین بازیکنان جهان رو به رئال مادرید بیارم. به همین دلیل اجازه‌ات رو می‌خوام تا از توتی درخواست کنم که سال آینده به ما ملحق شه.»

روزلا، دختر سنسی که بعداً ماجرا را مو به مو برای فرانچسکو تعریف می‌کند، اینطور روایت می‌کند که در آن لحظه واکنش پدرش خنده‌ای بلند بوده.

پرز مات و مبهوت می‌شود. اصلاً انتظار چنین واکنشی را از همتای رمی‌اش نداشته؛ آن هم در یک جمع نسبتاً رسمی. مخصوصاً وقتی که سنسی خنده‌اش را با این جمله به پایان می‌رساند: «این چیه که گفتی؟ یه شوخیه؟»

پرز که مشخص است به او برخورده و ناراحت است در جواب می‌گوید: «نه شوخیه. نه جوک. یه قیمت برای توتی بده و من پرداختش می‌کنم.»

فرانکو سنسی که متوجه می‌شود ماجرا جدی است، خودش را روی صندلی جمع می‌کند. آبی می‌نوشد، گلویی تازه می‌کند و خیلی جدی جواب می‌دهد: «حتی درباره‌اش صحبت نکن. توتی برای من مثل پسرمه. هرگز در مورد واگذاریش وارد گفت و گو نمی‌شم. دیگه لطفاً در موردش حرف نزن.»

بعد هم به صورت عصبی شروع می‌کند به غذا خوردن. اصطلاحاً میز یخ می‌زند. بعد از این مکالمه خیلی کسی راغب به حرف زدن نیست و سکوت بدی حکمفرما می‌شود.

چند دقیقه بعد اما همه یادشان می‌رود که اصلاً سر میز چه گذشت؛ اصلاً برای چه جمع شده بودند. خبری از نیویورک مخابره می‌شود که دنیا را به واقع تکان می‌دهد. اصلاً دیگر کسی به فوتبال فکر نمی‌کند. چرا؟ چون آن روز دقیقاً یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بود. همان روزی که امریکایی‌ها صبح‌شان را با حمله تروریستی به برج‌های تجارت جهانی واقع در نیویورک شروع کردند. القاعده به امریکا حمله کرده بود و تمام تیم‌های حاضر در لیگ قهرمانان فکر و ذکرشان شده بود اخبار سیاسی. دنیا داشت وارد دوران تازه‌ای می‌شد. یوفا اعلام کرد بازی‌های آن شب (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) انجام می‌شود اما بازی‌های فرداشب به تعویق می‌افتد. آن شب رم با رئال مادرید بازی می‌کند و البته می‌بازد. پرز همچنان ذهنش درگیر توتی است ولی چند سال بعد پیشنهاد رسمی‌اش را به رم ارائه می‌دهد. پیشنهادی که می‌توانست توتی را تبدیل به پردرآمدترین بازیکن دنیای فوتبال کند اما فرانچسکو هیچ‌وقت آن را قبول نکرد.

بروزرسانی روز

قوانین جدید فوتبال اسپانیا برای فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳

لالیگا پلیسی می‌شود

۳۹ روز تا شروع فصل جدید لالیگا باقی مانده است و حالا این لیگ آماده فصل جدید شده. آنها در این چند روز از توپ جدیدشان رونمایی کردند، قانون جدیدی برای مبارزه با نژادپرستی تصویب کردند و البته در زمینه استفاده از تکنولوژی هم تصمیماتی تازه گرفتند.

همان‌طور که می‌دانید فصل گذشته لالیگا با معضل بزرگی به نام نژادپرستی همراه شد؛ اتفاقی که حتی ستاره برزیلی رئال مادرید را به مرز خداحافظی با لالیگا و رئال مادرید هم کشاند و وینیسیوس را بشدت وارد حواشی مربوط به خودش کرد. این بار مسئولان لالیگا موضع قاطع‌تری نسبت به مصادیق نژادپرستی گرفته‌اند. بر اساس مصوبات جدید مقرر شده پلیس اسپانیا این اجازه را خواهد داشت در صورت بروز رفتارهای نژادپرستانه در جریان بازی‌های لالیگا، مسابقه را متوقف کند. این ابهام وجود دارد که چنین قانونی دقیقاً چه کمک فرهنگی به مبارزه با نژادپرستی خواهد کرد و آیا کسانی که چنین رویه‌ای را در پیش می‌گیرند با وضع این قانون از عمل غیر اخلاقی خود منصرف خواهند شد یا خیر! هنوز جزئیات بیشتری از اختیارات پلیس اسپانیا در رابطه با نژادپرستی در ورزشگاه‌های لالیگا فاش نشده اما همین‌قدر می‌دانیم حضور بیشتر و پررنگ‌تر نیروهای امنیتی و پلیس در فصل جدید در استادیوم‌ها بدیهی خواهد بود. در حقیقت لالیگا به خاطیان در زمینه نژادپرستی هشدار داده اگر دست از پا خطا کنید، سر و کارتان با پلیس خواهد بود. پلیس می‌تواند مسابقه را برای دقایقی یا حتی به کلی متوقف کند و مانع از برگزاری آن شود و تصمیم نهایی باز هم با این نهاد است.

بر اساس اعلام لالیگا در فصل جدید این لیگ هم از تکنولوژی خط دروازه استفاده نخواهد شد. آنها یک بار دیگر در مقابل این تکنولوژی ایستاده‌اند و می‌خواهند به همان صورت گذشته در مقابل توپ‌های مشکوک به گل رفتار کنند. جالب اینجاست که لالیگا در فصل‌های اخیر تصویربرداری از مسابقاتش را به سطحی بسیار مدرن رسانده و مخاطبانش از سرتاسر دنیا را با نمایی ویژه و سینمایی مواجه کرده است. وجود چنین توسعه‌ای در رابطه با تصویربرداری از مسابقات و عدم استفاده از تکنولوژی خط دروازه عجیب به نظر می‌رسد.

سریال روز

یک سریال آلمانی در ستایش بایرن دهه ۷۰

دوستان خوب، برخاستن بایرن

چند سال پیش وقتی از فرانتس بکن‌باوئر پرسیده بودند «چه شد خودت فوتبالیست خوبی شدی ولی پسرت خیلی زود محو شد»، او جواب حکیمانه‌ای داد: «من پسر یک کارگر فقیر بودم و او پسر یک میلیاردر». حرف بکن باوئر این بود که زندگی سختش در دوران نوجوانی باعث سخت‌کوشی و در ادامه موفقیتش شده. حالا همین موضوع دستمایه سریالی جدید در آلمان شده با نام: Gute Freunde یا «دوستان خوب» که روایتگر اوج‌گیری بایرن مونیخ در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی است. عنوان اصلی این سریال «دوستان خوب، برخاستن بایرن مونیخ» است و به آهنگی اشاره دارد که فرانتس بکن‌باوئر، اسطوره بایرن مونیخ در سال ۱۹۶۶ خواند؛ آهنگی به نام دوستان خوب که در آلمان بسیار مشهور شد و هم اینک در سایت‌های اشتراک فیلم، ویدیوی آن وجود دارد. منبع اصلی البته کتابی با این عنوان است: «دوستان خوب؛ داستان واقعی بایرن مونیخ» نوشته توماس هوتلین. این سریال ۶ قسمتی، ماجرای بایرن و ستاره‌هایش در بازه زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۴ میلادی را روایت خواهد کرد. شخصیت‌های اصلی این سریال، ستاره‌های بایرن در آن سال‌ها هستند که هر کدام به اسطوره‌های بزرگ باشگاه و فوتبال آلمان تبدیل شدند؛ گرد مولر، سپ مایر، فرانتس بکن‌باوئر، پل برایتنر و اولی هوینس. سازنده سریال درباره آنچه بینندگان خواهند دید می‌گوید: «این سریال ۶ قسمتی به زندگی ۵ دوست می‌پردازد؛ رفقایی که همگی از طبقات پایین جامعه هستند و ظرف چند سال بشدت ثروتمند و مشهور می‌شوند. ما در سریال به این می‌پردازیم که برای آنها چه اتفاقی می‌افتد و شهرت و ثروت چه تأثیری روی این افراد دارد؟ این داستان دست ما را برای ساخت درامی پرهیجان باز گذاشته بود؛ از درام ورزشی بگیر تا نمایش رفاقت، عشق، شهرت، قدرت و پول.» بد نیست بدانید موریتس لمان در نقش بکن‌باوئر، مارکوس کرویر در نقش گرد مولر، پل ولنهوف در نقش سپ مایر، یان داوید بورگر در نقش پل برایتنر و مکس هوباخر در نقش اولی هوینس دیده می‌شوند. این سریال کوتاه ۲۶ جون یعنی سه هفته دیگر اولین اکران خودش را در جشنواره فیلم مونیخ تجربه خواهد کرد. گفته می‌شود در اواخر سال ۲۰۲۳ میلادی هم از تلویزیون آلمان پخش عمومی خواهد شد.

ابتکار روز

کباب؛ تاکتیک ویژه پوچتینو

مائوریسیو پوچتینو که چندی پیش به عنوان سرمربی جدید چلسی استخدام شده بود از دوشنبه رسماً کار خود در این تیم را آغاز کرد. او اما در شروع کارش از روشی ویژه برای ایجاد جوی صمیمی و خودمانی با همکاران جدیدش در کادر فنی چلسی استفاده کرد؛ طبخ کباب!

بد نیست بدانید پوچتینو پیش‌تر هم سابقه راه انداختن منقل و تهیه کباب در تیم‌های فوتبالی که هدایت آنها را بر عهده داشته بود را دارد. گفته می‌شود آرژانتینی‌ها به دلیل اینکه کشورشان یکی از قطب‌های پرورش دام دنیا است به تهیه کباب به روش خاص خودشان علاقه دارند. در تصاویری که باشگاه چلسی از مراسم تهیه کباب پوچتینو منتشر کرده مشخص است که او تا حد زیادی به هدفش رسیده است و می‌توان رضایت را در چهره اعضای کادر فنی و کارکنان باشگاه لندنی دید.

یکی از کارکنان باشگاه چلسی در این باره به سایت باشگاه گفت: «حرکت خوبی بود. به نظرم سرمربی ما روش خیلی خوبی برای معرفی خودش انتخاب کرد. ما در فضایی آرام و صمیمی کباب خوبی خوردیم و کلی گپ زدیم.»

سوژه روز

لهجه عربی استیون جرارد

استیون جرارد بالاخره پیشنهاد الاتفاق را قبول کرد و دیروز راهی عربستان شد. نکته جالب اینجا بود که دیروز باشگاه عربستانی ویدئویی منتشر کرد که جرارد در آن به عربی می‌گوید: «من استیون جرارد هستم. من یک اتفاقی هستم.» و به انگلیسی اضافه می‌کند: «بزودی شما را می‌بینم.»

انتشار این ویدئو باعث شد تا هواداران در شبکه‌های اجتماعی لهجه جرارد را مسخره کنند. یکی نوشت: «عربی با لهجه لیورپولی دارد من را می‌کشد.» و دیگری تأکید کرد: «اولین آدم تاریخ که عربی را با لهجه لیورپولی حرف می‌زند.» یک نفر دیگر هم نوشت: «خدایا! استیوی این دیگر چه تلفظی بود.» گفته می‌شود جرارد از باشگاه خواسته فیلیپه کوتینیو، جردن هندرسون و پیر امریک اوبامیانگ را برای او بخرند تا با ۴ غول بزرگ عربستان بجنگند.

انتقال روز

رونمایی الاتحاد از سومین خرید سرشناس

باشگاه الاتحاد عربستان بعد از جذب کریم بنزما و انگولو و به دنبال حضوری قدرتمندانه‌تر در فصل بعد به ویژه در لیگ قهرمانان آسیا است، از سومین خرید سرشناس خود در تابستان سال جاری رونمایی کرد. فیلیپه ژوتا ستاره پرتغالی سلتیک اسکاتلند با قراردادی سه ساله رسماً به الاتحاد پیوست. این بازیکن ۲۴ ساله قبل از پیوستن به سلتیک در بنفیکا بازی می‌کرد و ۹ عنوان قهرمانی در سطح ملی و باشگاهی در کارنامه دارد.

از ژوتا به عنوان یکی از استعدادهای خوب فوتبال پرتغال یاد می‌شود. او در ۱۹۹ بازی رسمی که در رقابت‌های مختلف به میدان رفته ۴۵ گل به ثمر رسانده است و ۴۵ پاس گل هم داده است.